

رابطه طلاق والدین، سبک هویت و تاب‌آوری در دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تهران جنوب

هلیا اخوان خالقی

دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

سهیل معظمی گودرزی

استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

یکی از معضلات اجتماعی جوامع در حال حاضر، افزایش روز افزون طلاق و از هم پاشیدگی بنای خانواده هاست. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط طلاق والدین، سبک هویتی و تاب‌آوری در دانشجویان دختر در شهر تهران انجام شده است. روش پژوهش بصورت تصادفی و در دسترس بود. جامعه آماری در این پژوهش ۳۰ نفر از دختران دانشجو جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است که به شیوه تصادفی انتخابی شدند. برای همین منظور از ۲ پرسشنامه سبک هویت بروزنسکی و پرسشنامه تاب‌آوری دیویدسون استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون در سطح توصیفی و از ضریب همبستگی کندل و اسپیرمن در سطح استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS 26 انجام شد.

بر اساس یافته‌ها چنین نتیجه‌گیری می‌شود با اینکه طلاق یک معضل اجتماعی و یک مسئله مهمی است ولی اثرات منفی هم می‌تواند بر فرزندان بخصوص قشر جوانان داشته باشد. به همین علت از ۲ متغیر سبک هویت و تاب‌آوری در سطح متوسط و بالا قرار دارند. و این آمار بشدت نگران کننده و ترسناک بنظر می‌رسد. عواملی مختلفی برای طلاق والدین وجود دارد مثل نداشتن درک مناسب از یکدیگر، وجود جنبش استقلال طلبانه زن بعد از طلاق، اعتیاد، خیانت و دزدی، در عواطف زن و شوهر انعطاف پذیری وجود ندارد.

با توجه به پژوهش‌های بدست آمده طلاق نشان عدم دقت در انتخاب و یا سقوط اخلاقی یکی از طرفین اصل زندگی خانوادگی و گاه مواد مرگ ارزشها در کانون همسری است. نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب است. طلاق یک مسئله بسیار مهم ولی دردناکی است که در هر کشوری بخصوص در کشور ایران که آمار طلاق در دهه‌های اخیر بشدت افزایش پیدا کرده، باید مورد بررسی زیادی قرار بگیرد و دولت هم می‌بایست در این امر، از خانواده‌ها مخصوصا فرزندان در هر سنی حمایت کند.

واژگان کلیدی: طلاق والدین، سبک هویتی، تاب‌آوری، جوان

مقدمه

خانواده کوچکترین ولی اساسی ترین واحد اجتماعی است که قوام آن، پایداری جامعه را در پی دارد این نهاد با پیمان زناشویی شکل می‌گیرد و مشمول قواعد و مقررات ویژه ای است که با سایر اعمال حقوقی قدری متفاوت است. موضوع عقد نکاح، ایجاد رابطه زناشویی میان یک زن و مرد است و لازمه تداوم یک زندگی مشترک، انعطاف پذیری و تفاوت‌های مقررات حاکم بر خانواده را با سایر مقررات توجیه می‌کند (طالب احمدی، ۱۳۹۱). در بین تمام نهادها، سازمانها و موسسات اجتماعی، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر این که از خانواده سالم برخوردار باشد و بدون شک هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بدون تاثیر خانواده پدید نمی‌آید (ساروخانی، ۱۳۷۰). یکی از رایج‌ترین باورها در مورد ازدواج و تشکیل خانواده این است؛ که ازدواج یک امر طبیعی می‌باشد که باید صورت گیرد؛ بنابراین طلاق جدیترین چالش این امر طبیعی است که اجتماع آن را پذیرفته و تهدیدی برای انسجام اجتماعی تلقی می‌شود. با این وصف، جزء مسائلی است که به استناد شواهد و آمار روند رو به رشدی را طی می‌کند (بلالی، ۱۳۹۸).

جوانی دوره ای از رشد است که با اتفاقات و چالش‌های گوناگونی ممکن است فرد در این دوره قرار گیرد. جوانی دوران تربیت پذیری است و فرصتی است که در آن عقیده و اخلاق ریشه دار شده و فضایل و ملکات انسانی در او تثبیت می‌گردد. این دوره از مهمترین و در عین حال از پیچیده ترین مراحل حیات است (بستانی و همکاران، ۱۳۸۳).

روان‌شناسان علل طلاق را بیشتر در سطح فرد و مؤلفه های غیر اجتماعی و جامعه شناسان دلایل آن را در ساختارهای اجتماعی جست و جو می‌کنند. از نظر جامعه‌شناسان هر کوششی در راستای تبیین دلایل طلاق و ناسازگاری زناشویی مستلزم در نظر گرفتن ماهیت ازدواج بعنوان یک سازمان در درون زمینه اجتماعی فرهنگی است و بررسی تغییرات سازمانهای اجتماعی ساختار دهنده به تجارب فرد به میزان پاسخ به چرایی احتمال شکست و طلاق در بعضی از زوجها اهمیت دارد (راشک، ۱۹۸۷). در مجموع منابع به وجود آورنده تعارضات زناشویی می‌توانند درونی و ناشی از اضطرابهای دوران کودکی افراد بیرونی و محصول رابطه با دیگران و یا «محیطی و نتیجه فشارهای اجتماعی روی اعضای خانواده باشد. همچنین مقدار زیادی از تعارضات در ازدواج در زمینه کنترل حول منابعی نظیر پول کودکان قدرت و تساوی می‌باشد. در این حالت وضع مقررات و نقشهایی مبتنی بر اعمال «قدرت» از سوی زوجین تعارض میان آنها را دامن می‌زند (یونگ، ۱۹۹۸). طلاق دوره‌ای است که زن و شوهر از یکدیگر به دلایل مختلف مثل خیانت، اعتیاد یا جدا می‌شوند. طلاق در لغت به معنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهائی از زناشویی است. در عرف عام معنای جدایی از آن در ذهن متبادر می‌شود پدیده ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی پیوند زنا شویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند (ساروخانی، ۱۳۸۱).

تاب‌آوری یعنی توانایی غلبه کردن و قدرت روبه رو شدن با مشکلات و سختی های زندگی. تاب‌آوری به توانایی همه انسانها حتی جوانان در مدیریت استرس و اوقات سخت زندگی اطلاق می‌شود. با وجود این که تاب‌آوری تا حدی یک ویژگی شخصی و حاصل تجربه های محیطی است. افراد می‌توانند ظرفیت تاب‌آوری خود را با آموختن برخی از مهارتها افزایش دهند. به عبارت دیگر، تاب‌آوری یک ویژگی ثابت و تغییر ناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی و تاب آوردن را دارند (مکلود، ۲۰۱۶).

هویت یک بخشی از عزت نفس انسان بخصوص نوجوانان را تشکیل می‌دهد. در نوجوانی، نحوه نگرش ما نسبت به همسالان، خانواده، مدرسه و سایر محیط‌های اجتماعی، تغییر کرده و هویت های شخصی ما، درک ما از تعلق را شکل می‌دهند و همگی هویت فردی را شامل می‌شوند. البته هویت خانوادگی نیز می‌تواند بر اساس چگونگی رفتار والدین با نوجوانان معنا پیدا کند. در تعریف خلاصه هویت چیزی فراتر از مدل ذهنی است و همچنین سرشار از معانی، احساسات، آرزو و اهداف است. ساخت هویت در دوره نوجوانی بیشتر شبیه یک فرایند است (بروزنسکی، ۲۰۰۳).



میشل برزونسکی (۱۹۹۰)، در یک دیدگاه اجتماعی- شناختی مطرح کرده است که افراد در وضعیت‌های هویتی مختلف به منظور فرایندهای شناختی- اجتماعی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، مواجهه با مشکلات، درگیری با تکالیف و پردازش اطلاعات مربوط به خود و برخورداری از سلامت عمومی شناختی مورد استفاده قرار می‌دهند (شکری و همکاران، ۱۳۸۶). و به تفاوت در فرایندهای شناختی- اجتماعی جوانان در ساخت، نگهداری و انطباق هویت خودشان تأکید دارد. این الگوی شناختی- اجتماعی به تفاوت برجسته در درگیری و یا اجتناب افراد از تکالیف مختلف، چون تصمیم‌گیری، حل مسائل شخصی و موضوعات هویت اشاره می‌کند. این فرایندهای جهت‌یابی یا سبک هویت شامل ساز و کارهایی است که اطلاعات و تجارب مرتبط با خود را کدگذاری، پردازش و سازماندهی و مرور می‌کند (آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۷).

طلاق می‌تواند روی رشد جسمانی دختران نوجوان اثر منفی بگذارد و منجر به قاعدگی زود هنگام و بلوغ زودرس شود. از آنجاییکه در بسیاری از موارد این والدین (به ویژه مادران) در مورد مشکلات طلاق، روابط عاشقانه، افسردگی، تنهایی، مسائل مالی با فرزندان دختر خود صحبت می‌نمایند دخترها احساس می‌کنند که باید سریعتر به بلوغ برسند تا بتوانند همدم مادرشان باشند. (باستانی و همکاران ۱۳۹۰)

دختران جوانی که پس از طلاق با مادرشان زندگی می‌کنند زودتر از استرس طلاق بیرون می‌آیند. اعتماد و رضایت کمتر در روابط عاشقانه تأثیر طلاق بر فرزند دختر است. دختران جوان خانواده‌های مطلقه نیاز به محبت و توجه دارند و در عین حال از رها شدن می‌ترسند. یعنی مستعد میل و اضطراب خواهند بود چون هم تمایل به رابطه دارند و از هم تنها شدن می‌ترسند. بنابراین دخترانی که والدینشان طلاق می‌گیرند احتمالاً هنگام تصمیم‌گیری در مورد ازدواج با مشکل مواجه شده و درگیر اضطراب می‌شوند. (نشاط دوست و همکاران، ۱۳۸۴)

طلاق در بسیاری از موارد ضروری است و زوجین ناگزیر به قبول این امر هستند. ولی در اغلب موارد جدایی‌ها در نتیجه ی توقعات بیجای احساسی، اقتصادی و عاطفی زوجین از دیگر، سوء ظن و بدبینی بی مورد، نداشتن صبر و گذشت در زندگی، حسادت بیش از حد زن و شوهر، پرخاشگری و تند خویی زن یا مرد و غرور و خودخواهی بی مورد صورت می‌گیرد. طلاق یک رویداد منحصر به فرد نیست، بلکه فرآیندی است که در جنبه‌های مختلف آن در طول زمان آشکار می‌گردد و این مستلزم یک رشته تغییرات و سازمان‌یابی‌های مجدد خانواده می‌باشد که ممکن است چند سال طول بکشد. با رویدادها و هیجان‌هایی که به همراه این تغییرات پدید می‌آیند، نمی‌توان یک شبه برخورد کرد. سازگاری یافتن برای هر یک از اعضای خانواده مستلزم زمان است (رفیعی، ۱۳۸۹).

طلاق یک معضل اجتماعی است که زندگی افراد درگیر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق نه تنها سبب گسیختن پیوندهای زناشویی می‌شود، بلکه اغلب سبب از هم پاشیدن و آسیب دیدگی روابط بین والدین و کودک نیز می‌شود. طلاق علل متفاوت روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز دارد و بالاتر از همه یک پدیده روانشناختی است که در شرایط یکسان اجتماعی همه افراد به طلاق روی نمی‌آورند و لذا باید روحیه طلاق گرفتن در افراد وجود داشته باشد (برزونسکی، ۱۹۹۰).

روش تحقیق

در این تحقیق روش نمونه‌گیری به شکل خوشه‌ای و تصادفی بود. جامعه آماری در این مقاله هم دانشجویان جوان دختر در دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب است. در این مقاله از دو تا پرسشنامه سبک هویت بروزنسکی و پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیوید سون استفاده شد.

پرسشنامه سبک هویت: الگوی بروزنسکی بر آن دسته از فرایندهای اجتماعی- شناختی مبتنی است که طی آن افراد براساس شیوهی ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره‌ی موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند. فرایندهای متفاوت فرض شده، حداقل در ۳ سطح (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی) به کار می‌رود. اکثر اجزا اساسی آنها شامل پاسخهای شناختی- رفتاری خاصی است که افراد در زندگی روزمره‌ی خود به کار می‌برند. پرسشنامه سبک هویت بروزنسکی دارای ۴۰ سوال است. جواب هر سوال به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. همچنین این

پرسشنامه دارای نمره گذاری و پایایی و روایی است. این پرسشنامه به بررسی سبک هویتی افراد در چهار بعد زیر می پردازد: جهت گیری اطلاعاتی، جهت گیری هنجاری جهت گیری سردرگم/اجتنابی، تعهد (خبازی، ۱۳۸۹). پرسشنامه تاب آوری دیویدسون: پرسشنامه تاب آوری کانر و دیوید سون یکی از ابزارهای استاندارد برای اندازه گیری تاب آوری است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال است که به افراد کمک می کند تا سطح تاب آوری خود را ارزیابی کنند. پرسشهای این پرسشنامه به موارد مختلفی از جمله قدرت شخصیتی، اعتماد به نفس، مقابله با استرس، انعطاف پذیری و دیدگاه مثبت نسبت به زندگی مرتبط است. این پرسشنامه به صورت خودارزیابی است و افراد باید به هر سوال با توجه به وضعیت و تجربیات شخصی خود پاسخ دهند. پاسخها براساس یک مقیاس لیکرت ۵ نقطه ای است (سعادت و همکاران، ۲۰۱۳).

یافته ها

در این پژوهش تعداد ۳۰ نفر از دختران جوان دانشگاه آزاد تهران-جنوب مورد مطالعه قرار گرفتند البته در این پرسشنامه تفاوت سنی مورد بررسی قرار نگرفت ولی طبق آمار بدست آمده بیشترین سن ۲۳ و کمترین سن بین ۲۰-۲۲ بود. برای تجزیه و تحلیل دادهها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد، در بخش توصیفی، میانگین و انحراف معیار دادهها و در بخش استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم افزار SPSS 26 این دادهها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول (۱): مد، میانگین، انحراف معیار، بخش سردرگمی/اجتنابی سبک هویت

متغیر	تعداد	میانگین	مد	انحراف معیار
داده های معتبر	۳۰	۲/۹۸۳۳	۳	۰/۵۵۴۰۳
داده های نامعتبر	۰			

مطابق جدول (۱)، در بخش سردرگمی یا اجتنابی سبک هویت با میانگین ۲/۹۸۳۳ و انحراف معیار ۰/۵۵۴۳ نشان می دهد که میانگین سردرگمی به نسب بیشتر از انحراف معیار است. همچنین با توجه به قسمت اول که داده های معتبر ۳۰ و داده های نامعتبر ۰ نشان می دهد که در پرسشنامه سبک هویت هیچ داده ی نامعتبری وجود ندارد یعنی تعداد داده های معتبر بیشتر از داده های نامعتبر است.

جدول (۲): مد، میانگین، انحراف معیار، بخش سردرگمی/اجتنابی سبک هویت

متغیر	تعداد	میانگین	مد	انحراف معیار
داده های معتبر	۳۰	۲/۵۸	۳	۵۷۶۷۹
داده های نامعتبر	۰			

در جدول (۲) مد، میانگین و انحراف معیار بخش تعهدی سبک هویت مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا مشاهده شد که قسمت معتبر در تعهد ۳۰ و نمونه نامعتبر ۰ است که این نشان دهنده معتبر بودن پرسشنامه سبک هویت است. قسمت تعهدی سبک هویت با میانگین ۲/۵۸ و انحراف معیار ۵۷۶۷۹ نشان دهنده این است که میانگین تعهدی به نسبت کمتر از انحراف معیار است. در قسمت تعهد انحراف معیار بیشتر دیده می شود تا میانگین آن.

جدول (۳): آزمون t مستقل

پرسشنامه	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	نمونه
تاب آوری	۰/۱۰۷۸۴	۰/۵۹۰۶۸	۲/۶۰۲۷	۳۰
سبک هویت	۰/۵۸۶۰	۰/۳۲۰۹۷	۲/۶۱۴۷	۳۰



مطابق جدول (۳) و با توجه به داده‌های بدست آمده از دو پرسشنامه، تاب‌آوری با میانگین $0/6027$ و خطای استاندارد $0/10784$ ، نشان می‌دهد که سطح تاب‌آوری در میان شرکت‌کنندگان بصورت متوسط است. متغیر سبک هویت هم با میانگین $0/6147$ و خطای استاندارد $0/5860$ نیز مورد بررسی قرار گرفت. میانگین $2/6147$ نشان می‌دهد که میزان سبک هویت در میان بیشتر مردم کمی در حد متوسط است. این اعداد، تصویری کلی از وضعیت روانی و جسمی افراد را ارائه می‌دهند و کمک می‌کنند تا درک بهتری از وضعیت روانی شرکت‌کنندگان داشته باشیم و نشان می‌دهد که جوانانی که فرزند طلاق هستند، تاب‌آوری بیشتری به نسبت سبک هویت در زندگی خود می‌توانند داشته باشند.

جدول (۴): ضریب همبستگی

سبک هویت	تاب‌آوری	تحلیل آماری	نوع آزمون	نوع ضریب همبستگی
کندل	$-0/030$	Sig	تاب‌آوری	
	$0/816$			
	$1/000$	Sig	سبک هویت	
	$0/000$			
اسپیرمن	$-0/51$	Sig	تاب‌آوری	
	$0/788$			
	$1/000$	Sig	سبک هویت	
	$0/788$			

مطابق جدول (۴)، بین دو متغیر، همبستگی معناداری وجود ندارد. علامت همبستگی پیرسون منفی هست و همبستگی منفی است و معنادار نیست و چون از یک یا منفی یک فاصله دارد رابطه قوی برقرار نمی‌باشد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو پرسشنامه تاب‌آوری و سبک هویت نشان‌دهنده وابستگی بین متغیرها در مقیاس رتبه‌ای هستند. ضریب کندل، برابر با ۱ است، که نشان‌دهنده وجود یک رابطه مثبت بین متغیرها با احتمال معناداری برابر با $0/816$ در مقیاس رتبه‌ای است. ضریب اسپیرمن نیز برابر با ۱ است، که نشان‌دهنده وجود یک رابطه مثبت بین متغیرها با احتمال معناداری برابر با $0/788$ در مقیاس رتبه‌ای است. و در نهایت ضریب کندل و اسپیرمن، برای متغیر سبک هویت نیز نشان‌دهنده وجود یک رابطه منفی با متغیر تاب‌آوری هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش‌هایی که دیوید سون در زمینه تاب‌آوری انجام داد، تاب‌آوری به عنوان شاخصه‌ای مهم در آن مورد توجه قرار گرفته است. توانایی افراد در تطبیق مناسب با شرایط تنش‌زا و دشواریها، تاب‌آوری روانشناختی گفته می‌شود روانشناسان همواره سعی کرده‌اند که این قابلیت انسان را برای سازگاری و غلبه بر خطر و سختی‌ها افزایش دهند. با توجه به یافته‌های دکتر بخشی زاده و همکاران تاب‌آوری توانایی انسان برای سازگاری در برابر مصیبت‌ها، ضربه‌ها درد و رنج ناشی از گرفتاریها و محرکهای تنش‌زا با اهمیت در زندگی بوده افراد با تاب‌آوری بالا در شرایط استرس‌زا و موقعیتهای ناگوار سلامت روان شناختی خویش را حفظ می‌کنند. به طور کلی، یافته‌ها نشان داد انتخاب درست همسر که با شناخت کافی از شریک زندگی حاصل می‌شود، می‌تواند از بسیاری از مشکلات بعدی زوجین جلوگیری نموده و ضامن بقای خانواده باشد. در این راستا مد نظر قرار دادن طول مدت آشنایی مناسب برای وصول به آشنایی کافی زوجین از یکدیگر در زمینه‌های ویژگیهای شخصی، فرهنگی اجتماعی، باورها و ارزشهای یکدیگر میتواند کمککننده باشد. همچنین ضروری است متولیان امر با طراحی بسته‌های آموزشی، معیارهای صحیح انتخاب همسر، شیوه‌های حل مسائل و مقابله با بحران، ابراز عواطف را به جوانان در سنین ازدواج آموزش دهند تا آگاهی آنان در این زمینه‌ها افزایش یابد (یعقوبی، ۲۰۱۱).

ازدواج آگاهانه یکی از ابزارهای مهم در کاهش آسیب‌های اجتماعی است. انتخاب نادرست و عدم مراقبت اولیه در انتخاب همسر، دل بستگی‌های عاشقانه بدون شناخت کافی عدم توجه به علائق و باورهای همسر موجب می‌شود تا فرد در مسیر زندگی فردی و اجتماعی دچار چالش شود. هر چند کلاس‌هایی قبل از ثبت رسمی ازدواج در مراکز بهداشتی در کشور برگزار می‌شود و در کسب مهارت‌های ارتباطی موثر است. اما این آموزش‌ها بعد از انتخاب همسر صورت می‌گیرد. تامین نیازهای عاطفی و احساسی جسمی و جنسی، فرزندآوری و خانواده می‌تواند با ارزشترین بستر را در جهت تامین این نیازها فراهم آورد. اما اگر قبل از انتخاب همسر باید و نبایدها فرزندپروری از اهداف مهم ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشند. که از طریق کسب مهارت‌های درست ارتباطی در چارچوب به افراد در سنین ازدواج تاکید شود تا با افرادی پیوند زناشویی ببندند که شناخت کافی از یک دیگر در زمینه‌های ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی اجتماعی باورها و ارزشهای یک دیگر اعم از مادی و معنوی را داشته و با قبول آنها قدم در این مسیر بگذارند می‌توان امیدوار بود بروز طلاق کاهش یابد. اگر از ابتدا انتخاب درست و شناخت کافی صورت گیرد. با تقویت حس مسئولیت پذیری اعتماد به نفس احساس یک پارچگی پاسخ گویی مناسب به پدیده عشق و محبت، رشد اجتماعی، بلوغ فردی آرامش روانی می‌تواند در مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی قدم برداشت شناخت کافی در انتخاب همسر سبب می‌شود فرد با لحاظ کردن نقاط مثبت و منفی همسر آینده، قدم در مسیر ازدواج بگذارد. در غیر این صورت به مرور زمان معلوم می‌شود که طرف مقابل علاوه بر صفات مثبت ویژگی‌های منفی هم دارد. با گذر زمان ویژگی‌های منفی شخصیتی کمتر قابل تحمل میشوند. به عبارتی اگر اساس و بنیان خانواده بر مبنای آگاهی زوجین شکل گیرد مبنایی برای داشتن جامعه ای سالم و شکوفا خواهد شد (یونسی و همکاران، ۲۰۱۱).

منابع

- امامی، حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. ج. ۵. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- بستانی، محمود (۱۳۸۳)، حسادت زمینه‌های رشد و راههای جلوگیری، تهران مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حکیم، س. (۱۳۹۰)، علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن کریم. مطالعات راهبردی زنان، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۴۹.
- زرگر، فاطمه، نشاط دوست، حمید، (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، فصلنامه خانواده پژوهی.
- هاشم زاده، ایرج (۱۳۷۹)، استرس شغلی و رابطه آن با سلامت روان در کارکنان بیمارستانهای شهر شیراز، فصلنامه اندیشه و رفتار سال ششم شماره ۲.
- خداپناهی، محمدکریم، خوانین زاده، مریم، (۱۳۷۹). بررسی نقش ساخت شخصیت در جهتگیری مذهبی دانشجویان، مجله روانشناسی، ۴، ۱۴.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۷). جوان و بحران هویت. تهران: انتشارات سروش.
- مشکى، م. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۷-۸۸ افق دانش. دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۱، ناشر: فصلنامه‌ی دانشگاه علومپزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد.
- هاشمی، زهرا، جوکار، بهرام (۱۳۹۳)، پیش‌بینی تاب‌آوری تحصیلی و هیجانی بر مبنای عوامل روانشناختی، خانوادگی و اجتماعی، مقایسه نیم‌رخ. پیش‌بینی ابعاد تاب‌آوری هیجانی و تحصیلی. مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا. دوره ۱۰، شماره ۴.
- غفاری، فاطمه، رفیعی، حسن، (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش خانواده با استفاده از تئوری سیستمی بوتن بر تمایز یافتگی و کار کرد خانوادهای دارای فرزند. معتاد. فصلنامه خانواده پژوهی ۶ ۲۲، ۲۲، ۲۳، ۲۳۹.

- Amato, P.R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. Journal of Marriage and the Family, 62(4), 1269-1288.

- Abrahms, J. & Spring, M. (1989). The flip flop factor. International Cognitive Thereapy Newsletter, 5(1), 7-8. Abrams, S. & Spring, J. (1996). After the affair: Healing the pain and rebuilding trust when a partner has been unfaithful. New York: Harper Collins.

- Frisch MB. Quality of Life Therapy: Applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons Inc; 2006
- Ghotbi M, Helakoe Naeeni K, Jazayeri A, Rahimi A. Divorce situation and some factors affecting people living in absolute. Dolatabad 2004; 3(12): 273- 288. [In Persian]
- Kameli M. Survey of youth divorce. Youth National Organization; 2002. [In Persian] Honarian M, Younesi SJ. The study of divorce reasons in Tehran family courts. Clin Psychol Studi 2011; 3: 125-153. (Persian)
- MacLeod S, Musich S, Hawkins K, Alsgaard K, WickerER. The impact of resilience among older adults. GeriatrNurs. 2016; 37 (4):266-72.
- Paul R. Amato, "The Consequences of Divorce for Adults and Children," Journal of Marriage and Family 62 (2000): 1282.
- Sayad Pour Z. Attachment styles and marital satisfaction. Quart J Psychol Studi 2005; 1: 141-159. [4] Brown SL, Lin IF. The gray divorce revolution: rising divorce among middle-aged and older adults, 1990-2010. J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci 2012.
- Sadat Hosseini F, Hosseinchari M. The survey of validation and reliability of family resiliency scale. Family Counseling and Psychotherapy. 2013;3 (2): 181-209
- Yaghooby K, Sohrabi F, Mofidi F. A Comparative study of the degree of aggression among divorced and not divorced children. J Psychol Studi 2011; 7: 97-110

Divorce of Parents, Relationship Style, Identity and Bookkeeping in College Students Daughter of South Tehran Azad University

Helia Akhavan khaleghi

Bachelor of Psychology student, Islamic Azad
University south of Tehran Branch, Tehran, Iran.

Soheil Moazami Goudarzi

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic
Azad University south of Tehran Branch, Tehran, Iran.

Abstract:

One of the social problems of today's societies is the increasing number of divorces and the disintegration of families. This research was conducted with the aim of investigating the relationship between parental divorce, identity style and resilience in female students in Tehran. The research method was random and accessible. The statistical population in this research is 30 young female students of Islamic Azad University, South Tehran branch, who were randomly selected. For this purpose, 2 questionnaires of Brozensky's identity style and Davidson's resilience questionnaire were used. For data analysis, Pearson's correlation coefficient was used at the descriptive level and Kendall's and Spearman's correlation coefficient was used at the inferential level using SPSS 26 software. Based on the findings, it can be concluded that although divorce is a social problem and an important issue, it can have negative effects on children, especially the youth. For this reason, the 2 different types of identity and resilience are at medium and high levels. And this statistic looks very worrying and scary. There are various factors for parents' divorce, such as not having a proper understanding of each other, the existence of women's independence movement after divorce, addiction, betrayal and theft, there is no flexibility in the emotions of husband and wife.

According to the obtained research on divorce, divorce is a sign of inaccuracy in choosing or the moral fall of one of the parties to the principle of family life and sometimes the death of values in the center of marriage. The first task of the moral norms of a society is to regulate the relations between men and women on appropriate bases. Divorce is a very important but painful issue that should be investigated a lot in any country, especially in Iran, where the number of divorces has increased greatly in the current decade, and the government should also take care of families, especially children of all ages to support.

Keywords: Divorce of parents, Identity, Resilience, Youth